

کرامت انسان و حرمت قتل نفس از دیدگاه اسلام

محمد قاسم بنی کمال (قاسمی)

تکمیل و آراسته کرد و از روح خود در او دمید. و برای شما گوش ها و چشم ها و دلها آفرید، (اما) شما کمتر شکر او را بجای می آورید. براستی که خلقت انسان، پیچیدگی و ظرافت های آفرینشی وی به قدری حیرت انگیز هستند که هیچ مخلوقی در آفرینش به انسان شباهت ندارد. بدون تردید وجود انسان شاهکاری از قدرت بی مانند الهی است. ارزش انسان به قدری است که الله تعالی تمام موجودات را برای خدمت به او آفریده است و پدیده های متعددی را به نفع او مسخر نموده است: "هو الذی خلق لکم مافی الأرض جمیعاً بقره: ۲۹؛ خداوند کسی است که همه موجودات و پدیده های روی زمین را برای شما آفرید.

ابراهیم مترکم در آسمان، اقیانوس های بی کران در پهنه زمین، دریا های متلاطم، رودخانه های روان، کشتزارهای سرسبز و با طراوت، حیوانات متعدد و گوناگون، بادهای مختلف، ستارگان و کواکب، همه و همه موظف و مامور به خدمت انسان هستند و انسان اشرف مخلوقات، مسجود فرشتگان و مخدوم تمام موجودات می باشد.

با توجه به ارزش و مقام آدمیت است که حق تعالی فرشتگان را به خدمت انسان گماشته است؛ عده ای او را حفاظت و حراست می نمایند، عده ای برایش دعای خیر می کنند، عده ای اعمالش را می نویسند، عده ای همراه وی هستند. بعثت انبیا برای هدایت بشر نیز دلیل اهمیت و ارزش انسان در نزد آفریدگار است. بنا بر همین احترام و عزت انسانی است که خداوند متعال به هیچ کس حق نداده است نسبت به جان و مال فردی از افراد انسان بدون دستور الهی کوچکترین تعرضی روا دارد.

شما باغبانی زحمت کش را تصور کنید که در زمین خود باغی درست کرده، درختان و نهال هایی غرس نموده و گل های رنگارنگی کاشته است؛ آیا باغبان می پسندد کسی بدون اجازه وی وارد باغ شده و گلها را برپر کند، درختان را قطع نموده و باغ را تخریب نماید؟ هرگز! آیا می دانید وقتی گیاه و درختی در باغ پژمرده و خشک می شود، یا کسی به سوی آنها سنگی پرتاب می کند، بر دل باغبان چه می گذرد؟ صنعت گری را تصور کنید، اگر کسی صنایع دستی اش را بشکند،

خداوند متعال با دست خود انسان را آفرید و با قدرت خود او را عقل و فکر داد و به او شنوایی و بینایی بخشید. با توجه به دقت و ظرافتی که در آفرینش انسان به کار رفته، هیچ مخلوقی با وی برابری نمی کند. خداوند متعال در چند جای قرآن مجید داستان چگونگی خلقت انسان و مراحل متعدد آفرینش او را به تفصیل بیان کرده و او را اشرف مخلوقات قرار داده است. به آیات ذیل دقت نمایید:

۱- "خلق الانسان من صلصال کالفخار و خلق الجن من مارج من نار" [رحمن: ۱۴]؛ خداوند انسان را از گل خشکیده ای همچون سفال آفریده است، و جن را از زبانه شعله ور آتش خلق نموده است.

۲- "لقد خلقنا الانسان من سلالة من طين" [مؤمنون: ۱۲]؛ و همانا انسان را از گل خالص آفریدیم.

۳- "انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج فجعلناه سمعياً بصيراً" [انسان: ۲۶]؛ ما انسان را از نطفه آمیخته آفریده ایم، و چون او را می آزماییم، وی را شنوا و بینا کرده ایم.

۴- "لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الوريد" [اق: ۱۶]؛ ما انسان را آفریده ایم و می دانیم که بر خاطرش چه می گذرد و ما از شاهرگ گردن به او نزدیکتریم.

۵- "و اذ قال ربک للملائكة انی خالق بشر من صلصال من حمأ مسنون فاذا سویته و نفخت فیہ من روحی فقوا له ساجدین فسجد الملائكة کلهم اجمعون" [احجر: ۲۸-۳۰]؛ یاد کن آن زمان را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من از گل سیاه شده متغیری انسان را می آفرینم، پس هر گاه که او را آراسته و پیراسته کردم و از روح خود در او دمیدم (برای احترام و گرامیداشت) در برابرش به سجده افتید؛ فرشتگان همه جملگی سجده کردند.

۶- "لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم" [تین: ۴]؛ ما انسان را (از نظر جسم و روح) در بهترین قالب و زیباترین سیما آفریده ایم.

۷- "الذی احسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانسان من طین ثم جعل نسله من سلالة من ماء مهین ثم سواه و نفخ فیہ من روحه و جعل لکم السمع و الابصار و الافئدة قليلاً ما تشكرون" [سجده: ۷-۹]؛ (الله) ذاتی است که هر چه را آفرید، نیکو آفرید. و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد، سپس خداوند نسل او را از عصارة آب ناچیزی آفرید آنگاه اندام های او را

اولین مجازات قاتل، دوزخ و دیگری ماندگاری در آن است. "خالداً فیها" به این دلیل بعد از ذکر "جهنم" آمده است که بسیاری ها گرفتار دوزخ می گردند، اما سرانجام بعد از مدتی کوتاه یا طولانی از آن خارج می شوند، ولی قاتل چنین نیست، بلکه باید همیشه در دوزخ باقی بماند.

سومین مجازات قاتل این است که خداوند متعال خشم خود را بر سر او نازل می کند، و او از لحظه ارتکاب قتل تا آخرین روز زندگیش مورد خشم و قهر الهی است. این خشم بعد از مرگ نیز دامنگیر او است.

چهارمین مجازات لعنت یعنی دوری از رحمت های حق تعالی و مهربانی های او است. علامه مفتی محمد شفیع عثمانی در تفسیر معارف القرآن در ذیل این آیه می نویسد: "لعنت عبارت است از دوری از رحمت حق تعالی و دچار شدن با رسوایی فراوان و ذلت بی پایان، و هر کسی لعنت خداوند بر او فرود آید، هرگز به قرب الهی نخواهد رسید و از هر خیر محروم خواهد گشت."

چنانکه در جایی دیگر درباره لعنت شدگان می فرماید: "و من یلعن الله فلن تجد له نصیراً [انساء: ۵۲]؛ کسی که الله تعالی او را مورد لعنت قرار دهد، پس هرگز یار و مددکاری برایش نخواهی یافت. یعنی چنین شخصی همیشه و در هر زمینه ناموفق و محروم خواهد شد.

و پنجمین چیزی که خداوند متعال قاتل را به آن تهدید کرده است، عذاب بزرگ است، ورود به دوزخ خود یک عذاب دردناک است، اما بعضی از جنایتکاران علاوه بر ورود به آتش جهنم، به عذاب های دردناک دیگری نیز گرفتار خواهند شد، قاتل نیز این چنین خواهد بود؛ زیرا الله تعالی بیان فرموده است که برایش عذابی بسیار بزرگ آماده کرده است که از عذاب معمولی به مراتب سخت تر و دردناک تر خواهد بود. "العباذبالله"

آیه دوم: "و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذلکم وصاکم به لعلکم تعلقون [انعام: ۱۵۱]؛ و جانی را که خداوند (کشتنش را) حرام نموده است جز به حق نکشید، به این حکم کرده است شما را، باشد که خرد و ورزید.

در این آیه هر نوع قتل جز آنکه حق بودنش با دلایل محکم شرعی ثابت شود، حرام و ممنوع قرار داده شده است. تفصیل این حکم در حدیث چنین آمده است: آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ریختن خون هیچ مسلمانی حلال نیست مگر در سه مورد: ۱- کسی که از دواج کرده است و باز هم مرتکب عمل زنا شود؛ ۲- کسی که شخصی را به ناحق بکشد، به عنوان قصاص کشتن او جائز است؛

۳- کسی که دین حق را ترک کند و مرتد شود.

حضرت عثمان رضی الله عنه هنگامی که در محاصره آشوبگران و شورشیان قرار داشت و آنها می خواستند ایشان را به قتل برسانند،

چه عکس العملی از خود نشان خواهد داد؟ آیا یک کوزه گر اجازه می دهد کوزه هایش بدون دلیل شکسته شوند؟

پس پروردگار که انسان را با دست قدرت خود آفریده و به او مقام و جایگاه و الایی بخشیده است چگونه می پسندد که این مخلوقش مورد اهانت قرار بگیرد و یا نابود گردد. از این جهت است که حق تعالی کشتن یک انسان را بدون مجوز شرعی همانند کشتن همه انسانها شمرده است.

شایان ذکر است که احترام به انسان و حرمت قتل نفس، از مسائلی است که همه شرایع آسمانی و قوانین بشری در مورد آن متفق اند و قتل نفس را یکی از بزرگترین گناهان و جنایات می شمارند. ولی دین اسلام به عنوان آخرین پیام آور عزت و امنیت، بیش از همه برای این مسئله اهمیت قایل شده است و برای قاتلان و اخلاص گران امنیت و متعرضان به جان و مال بی گناهان، در دنیا و آخرت مجازات های سنگینی بیان نموده است.

از دیدگاه اسلام جان هر انسان، مسلمان باشد یا غیر مسلمان، محترم است و گرفتن جان فقط حق جان آفرین است و بس. بجز جان دهنده و جان آفرین کسی دیگر حق جان ستانی را ندارد. واقعاً چه قدر سنگین و غیر قابل تحمل است که یک انسان بی گناه که این همه مورد لطف و مهربانی خالقش است، توسط یک انسان دیگر با سنگدلی و قساوت در یک لحظه کشته شود و طعمه ظلم و جور گردد.

آیا قاتل سنگدل و بی رحم هیچ فکر کرده که مرتکب چه جنایتی شده و چه مخلوق با ارزشی را بدون اجازه صاحبش نابود نموده است؟

آیا قاتل ستمگر و جنایتکار می داند که چه شاهکاری از شاهکارهای قدرت الهی را تخریب نموده و چه گلی از گلستان انسانیت و چه نهالی از باغ بشریت را پرپر و ویران کرده است؟ قطعاً آفریدگار توانا از این قاتل سنگدل انتقام خون مقتول را خواهد گرفت. قتل هر انسان به هر حال جرمی سنگین و خطرناک است، اما قتل یک مسلمان با توجه به ایمان و اسلامش سنگین تر و خطرناک تر است. به همین دلیل مجازات آن بسیار سخت تر و هولناک تر است.

قتل نفس در پرتو آیات

آیه اول: "و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاءه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و أعدله عذاباً عظیماً [انساء: ۹۳]؛ و هر کسی انسان مؤمن و مسلمانی را قصداً بکشد، جزایش دوزخ است، که در آن همیشه خواهد بود، و الله بر او خشم گیرد و بر او لعنت کند، و عذابی بزرگ برایش آماده کرده است.

در این آیه الله تعالی پنج نوع مجازات را برای قاتل بیان کرده است:

۱- دوزخ، ۲- ماندگار شدن در دوزخ، ۳- خشم الهی، ۴- لعنت و نفرین، ۵- عذاب بزرگ.

از شرک و توحید سؤال می شود. در این خصوص علما چنین توضیح داده اند که در زمینه اعتقادات، نخستین سؤال درباره توحید و شرک خواهد بود، و در زمینه عبادات، نخستین سؤال درباره نماز مطرح خواهد شد، اما در زمینه حق الناس نخستین قضاوت درباره خون ناحق صورت خواهد گرفت.

۲- عن أبي هريره رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: "اجتنبوا السبع الموبقات. قيل: يا رسول الله! ما هن؟ قال: الشرك بالله والسحر وقتل النفس التي حرم الله الا بالحق، وأكل مال اليتيم، وأكل الربوا والتولي يوم الزحف وقذف المحصنات الغافلات المؤمنات"^{۳۲}؛ از هفت گناه هلاک کننده اجتناب کنید. گفته شد: یا رسول الله آنها کدامند؟ فرمود: شرک، سحر، قتل ناحق، خوردن مال یتیم، خوردن ربا (بهره)، فرار از جنگ در روز حمله دشمن، تهمت زدن به زنان پاکدامن بی خبر مؤمن.

۳- عن ابن عمر رضي الله عنهما، قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: "لن يزال المؤمن في فسحة من دينه ما لم يصب دماً حراماً"^{۳۳}؛ مسلمان از بابت دینش در گشادگی به سر می برد تا زمانی که خون ناحق نریخته است.

از این حدیث معلوم می شود که یک مسلمان از آنجایی که جایز الخطا می باشد، ممکن است از وی گناهانی سر بزند و این گناهان هر چند عوارض و کیفرهایی را موجب خواهند شد، منتها با توبه و استغفار قابل عفو و بخشش اند، ولی خون ناحق قابل جبران نیست؛ زیرا دیانت انسان را تخریب و تباه می کند و باعث بدبختی شخص قاتل می گردد، و چون انسان مردود بارگاه حق می گردد، از این جهت دچار تنگی در زندگی می گردد و کارهای نیکش بی اثر خواهند شد. ابن حجر رحمه الله می گوید: منظور از گشادگی در دین قبول توبه است، اما وقتی قتل صورت گرفت، قاتل از قبولیت توبه محروم می گردد.^{۳۴}

۴- عن البراء بن عازب رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: "لزال الدنيا أهون على الله من قتل المؤمن بغير حق"^{۳۵}؛ نابودی تمام دنیا نزد الله کم ارزش تر از قتل ناحق انسان مسلمان است. در روایتی دیگر چنین آمده است: "ولو أن أهل سماواته وأهل أرضه اشترکوا في دم مؤمن لادخلهم الله النار"^{۳۶}؛ اگر همه اهل آسمانها و زمین در کشتن یک مسلمان دست داشته باشند، خداوند همگی را به دوزخ خواهد فرستاد.

۵- عن عبد الله بن عمرو قال: رأيت رسول الله يطوف بالكعبة ويقول: "ما أطيبك وما أطيب ريحك، ما أعظمك وما أعظم حرمتك! والذي نفس محمد بيده لحرمة المؤمن عند الله أعظم من حرمتك، ماله ودمه"^{۳۷}؛ عبدالله بن عمرو می گوید: روزی رسول اکرم صلى الله عليه وسلم را دیدم که مشغول طواف کعبه بود و می فرمود: ای کعبه تو چه قدر دلربا و خوشبو هستی! چه قدر بزرگ و حرمت تو چه بسیار است! اما قسم به آنکه جان محمد در دست اوست! حرمت مؤمن و جان و مالش نزد الله

همین مطلب را برای شورشیان بیان کرد و سپس فرمود: چگونه می خواهید مرا به قتل برسانید در صورتی که هیچ کدام از سه مورد ذکر شده بر من منطبق نمی شود؛ من نه تنها بعد از اسلام آوردن بلکه حتی در زمان جاهلیت نیز مرتکب زنا نشده ام، و نه کسی را به قتل رسانده ام، و از وقتی که مشرف به اسلام شده ام در دلم حتی این وسوسه هم نیامده که اسلام را ترک کنم، پس به چه دلیلی قتل مرا مجاز می دانید؟

آیه سوم: "والذين لا يدعون مع الله الهاً آخر ولا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق ولا يزنون و من يفعل ذلك يلق أثاماً" [آقرقان: ۶۸]؛ (بندگان رحمان) کسانی هستند که با خدا معبودی دیگر را به فریاد نمی خوانند و پرستش نمی کنند، و جانی را که خداوند (کشتنش را) حرام کرده است جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند. و هر کس چنین کند (یعنی مرتکب شرک و قتل و زنا گردد) قطعاً به عقوبت دشواری برمی خورد.

این آیه از آیه های آخر سوره فرقان می باشد که در آنها سیزده صفت از صفات بندگان راستین الهی ذکر شده است.

شایان ذکر است که گناه قتل ناحق، در ردیف شرک که گناهی نابخشودنی است، ذکر گردیده است و این دلالت می کند بر اینکه ارتکاب قتل خصلتی مشرکانه و کافرانه است و یک مسلمان موحد و یکتاپرست هرگز آن را برای خود روانمی دارد؛ همان طور که فحشا و زنا نیز دور از شأن یک مسلمان واقعی می باشد. در آیه بعدی از همین سوره، مرتکبان شرک و قتل و زنا به عذاب خوارکننده دوزخ تهدید شده اند و اینکه عذاب آنها چند برابر عذاب دیگران خواهد شد؛ زیرا هر یک از گناهان فوق، سرچشمه گناهان دیگر می باشند. از این جهت دارای عوارض و عواقب خطرناکی هستند.

قتل نفس در پرتو روایات

هنگامی که نبی رحمت صلی الله علیه و سلم ظهور کرد، جهان جولا نگاه فساد و خونریزی بود. جان انسان ارزشی نداشت و بر سر کوچکترین چیز جنگ هایی در می گرفت که سالیان دراز طول می کشید و انسان های بی شماری کشته می شدند.

آن حضرت صلی الله علیه و سلم جان انسان را محترم شمرد و دستورات قاطع و اکیدی صادر کرد و با پدیده قتل و خونریزی به شدت مبارزه نمود. ذیلاً گزیده های از فرموده های نبوی در خصوص قتل، درج می شود:

۱- عن ابن مسعود رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: "أول ما يقضى بين الناس يوم القيامة في الدماء"^{۳۸}؛ نخستین مسئله ای که در روز قیامت فیصله آن در میان مردم می شود، دعاوی قتل نفس است.

شایان ذکر است که در برخی روایات آمده است: اولین پرسش در روز قیامت درباره نماز می شود، و در برخی از روایات آمده است که

تعالی خیلی بیشتر و بزرگتر از حرمت توست.
دقت فرمایید! کعبه مشرفه که زیارت و طواف آن آروزی هر مسلمانی است و حتی اگر کسی آن را در خواب ببیند، احساس سعادت و خوشبختی می نماید؛ کعبه ای که قبله تمام انبیا و اولیا و مسلمانان است؛ کعبه ای که به قدری نزد الله دارای حرمت است که هیچ کس حق ندارد گیاهان خودروی دور و برش را قطع کند؛ کعبه ای که هیچ کس حق ندارد به سوی آن آب دهان بیندازد؛ کعبه ای که مرکز انوار الهی و برکات آسمانی است؛ حرمت آن با این همه عظمت از حرمت یک مسلمان نزد الله کمتر است. از این رو اگر کسی به جان و مال مسلمانی تعرض کند، با عواقب دردناکی مواجه خواهد شد.

۶- عن ابن عباس رضی الله عنه قال: قتل بالمدينة قتیل علی عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم لم یعلم من قتله، فصعد النبی صلی الله علیه و سلم المنبر فقال: یا ایها الناس یقتل قتیل و أنا فیکم، و لا یعلم من قتله، لو اجتمع أهل السماء و الأرض علی قتل امریء لعذبهم الله الا ان یفعل ما یشاء^{۷۷}؛ ابن عباس روایت می کند که شخصی در مدینه به قتل رسید و معلوم نشد چه کسی او را کشته است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بالای منبر رفت و فرمود: ای مردم! شخصی کشته شده است در حالی که من پیامبر در میان شما هستم! و قاتلش نیز نامعلوم است! سپس فرمود: اگر همه اهل آسمانها و زمین در قتل ناحق یک انسان مشارکت داشته باشند، خداوند متعال همه آنان را عذاب خواهد داد، مگر اینکه خواست خدا چیزی دیگر باشد.

۷- عن ابی هریره رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: من أعان علی قتل مؤمن بشطر کلمة لقی الله مکتوباً بین عینیه آیس من رحمة الله^{۷۸}؛ هر کسی که با به زبان آوردن سخنی جزئی در قتل یک مسلمان همکاری کند، روز قیامت در حالی به پیشگاه خداوند حاضر می شود که بر پیشانی اش نوشته شده است: "آیس من رحمة الله" تا امید از رحمت حق تعالی.

۸- عن ابی الدرداء رضی الله عنه قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول: کل ذنب عسی الله أن یغفره الا الرجل یموت مشرکاً أو یقتل مؤمناً متعمداً^{۷۹}؛ رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمود: هر گناهی نزد الله قابل بخشش است مگر اینکه شخصی شرک کند، یا عمداً کسی را به قتل برساند.

۹- عن ابن عباس رضی الله عنه أنه سأله سائل، فقال یا ابن العباس! هل للقاتل من توبة؟ فقال ابن عباس کالمعجب من شأنه: ماذا تقول؟ فأعاد علیه مسأله. فقال: ماذا تقول؟ مرتین أو ثلاثاً. قال ابن عباس: سمعت نبیکم

صلی الله علیه و سلم یقول: یأتی المقتول متعلقاً رأسه باحدی یدیه متلبیاً قاتله بالید الأخری تشخب أوداجه دماً حتی یأتی به العرش، یقول المقتول لرب العالمین: هذا قتلی. فیقول الله عزوجل للقاتل: تعست! ثم یدهب به الی النار^{۸۰}؛ ابن عباس رضی الله عنه می گوید: روزی کسی از ایشان پرسید: آیا توبه قاتل قبول می شود؟ ابن عباس با تعجب به او گفت: چه می گویی؟ و دو یا سه بار این سؤال را تکرار کرد. آنگاه فرمود: من از پیامبران شنیدم که می گفت: روز قیامت مقتول در حالی حاضر می شود که در یک دستش سرش را گذاشته و با یک دستش یقه قاتل را گرفته و در حالی که خون از رگهایش جاری است، او را به نزد عرش الهی می آورد و از او به پروردگار جهانیان شکایت کرده و می گوید: این شخص مرا کشته است. آنگاه الله تعالی به قاتل می گوید: بدبخت شدی! سپس قاتل را به دوزخ می برند.

۱۰- عن ابن مسعود رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: یجیء المقتول أخذاً قاتله و أوداجه تشخب دماً عند رب العزه فیقول: یارب! سل هذا فیم قتلی؟ فیقول: فیم قتلته؟ قال: قتلته لتکون العزة لفلان. قیل: هی لله^{۸۱}؛ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: مقتول در حالی که قاتلش را گرفته و خون از رگهایش جاری است، به پیشگاه رب العزت می آید و می گوید: پروردگار! از این قاتل بپرسید که به چه دلیل مرا کشت؟ سپس خداوند متعال از قاتل می پرسد: چرا او را کشتی؟ قاتل می گوید: برای اینکه فلان (فرد یا طائفه) به عزت و سربلندی برسد. گفته می شود: عزت و سربلندی از آن الله است.

می کنند.

بسا چنان نوکران حلقه به گوش و چشم و گوش بسته ای، طعم تلخ اطاعت کورکورانه را چشیده و مورد خشم اربابان خود قرار گرفته اند و دنیا و آخرت شان تباه شده است.

بهر مظلومان همی کند چاه/در چه افتادند و می گفتند آه
شیخ سعدی به نقل از حکیمان چه جالب گفته است: هر که خدای را عز و جل بیازارد تا دل خلقی بدست آرد، خداوند تعالی همان خلق را بر او گمارد تا دماز از روزگارش بر آرد.

آتش سوزان نکند با سپند/آنچه کند دود دل دردمند
نماند ستمگار بد روزگار/بماند بر او لعنت پایدار

۱۱- عن ابی موسی رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه و سلم قال: اذا أصبح ابلیس بث جنوده فیقول: من أخذل الیوم مسلماً ألبسته التاج. قال: فیجیء هذا فیقول: لم أزل به حتی طلق امراته. فیقول: یوشک أن

یتزوج. ویجیء هذا فیقول: لم أزل به حتی عقی والدیه. فیقول: یوشک أن یرها. ویجیء هذا فیقول: لم أزل به حتی أشرك. فیقول: أنت أنت. ویجیء هذا فیقول: لم أزل به حتی قتل. فیقول: أنت أنت، و یلبسه التاج^(۱۳)؛

ابوموسی اشعری از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمود: ابلیس هنگام صبح لشکرش را (به مأموریت) اعزام می کند و می گوید: هر کس امروز مسلمانی را رسوا کند، تاج را بر سرش می گذارم. یکی از لشکریانش پس از انجام مأموریت برگشته و می گوید: من تلاش نمودم تا اینکه (یک مسلمان)

همسرش را طلاق داد. ابلیس می گوید: بزودی زن دیگری خواهد گرفت. آنگاه یکی دیگر از لشکریانش حاضر شده و می گوید: من با تلاش مداوم فلان شخص را به نافرمانی پدر و مادرش وادار کردم.

ابلیس می گوید: بزودی با آنها نیکی خواهد کرد. دیگری می آید و می گوید: من آن قدر زحمت کشیدم که فلان شخص دچار عمل شرک شد. ابلیس می گوید: کار تو عالی است! سرانجام یکی دیگر آمده و می گوید: من بر فلان به قدری مسلط شدم تا اینکه مرتکب قتل شد. ابلیس (خیلی خوشحال شده و) می گوید: کار تو واقعاً عالی است! آنگاه به پاسداشت این کار تاج را بر سرش می گذارد.

۱۲- عن عبادة بن الصامت رضی الله عنه عن رسول الله صلی الله علیه و سلم قال: من قتل مؤمناً فاعتبط بقتله لم یقبل الله منه صرفاً ولا عدلاً^(۱۴)؛

عباده بن صامت می گوید: آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمود: هر کس مسلمانی را به قتل برساند و به این کار شنیع خود افتخار نماید، خداوند متعال هیچ عملی را از وی نمی پذیرد، نه اعمال فریضش را و نه نوافلش را.

متأسفانه خیلی از انسانهای سنگدل و تیره بخت اینگونه اند، به جای اظهار ندامت و پشیمانی، خود را دلیر و بهادر می پندارند، فخر می فروشند و احساس می کنند عزیز و سربلند شده اند. اینها باید بدانند که نزد الله به قدری بی عزت و خوار و ذلیل گشته اند که هیچ عملی از آنان پذیرفته نمی شود. علمای دین می گویند: هر کس بر

قتل بی گناهی اظهار مسرت و خوشحالی نماید، روز قیامت با او نیز مثل قاتل رفتار خواهد شد و سرانجام با غضب و خشم خداوند دچار خواهد گشت.

علامه خلیل احمد سهارنپوری، از شارحان برجسته حدیث، می گوید: من فرح بقتل المؤمن دخل فی هذا الوعد؛ هر کس از قتل مسلمانی شاد شود، در این وعید داخل می گردد.^(۱۵)

۱۳- عن عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما قال: قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: من قتل معاهداً لم یرح رائحة الجنة، وان ریحها یوجد من مسیرة أربعین عاماً^(۱۶)؛ آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمود: هر کس غیر مسلمانی را که (در سرزمین های اسلامی) از تأمین جانی بر خوردار است، به قتل برساند، بوی بهشت را احساس نخواهد کرد، حال آنکه بوی بهشت از مسیری با مسافت چهل سال راه نیز احساس می شود.

عده ای چنین می پندارند که کشتن غیر مسلمانی در هر حال اجر و ثواب دارد، در صورتی که این پندار کاملاً نادرست است. در حدیث بالا کلمه "معاهد" آمده است؛ معاهد به شخص غیر مسلمانی اطلاق می گردد که از بدو تولد در یک کشور اسلامی زندگی کرده و شهروند آن کشور محسوب می شود، و یا اینکه از یک کشور غیر اسلامی با ویزا (رواید) و اجازه قانونی، وارد کشوری اسلامی شده است. در هر حال گناه کشتن چنین افرادی به قدری سنگین است که انسان را از بوی بهشت نیز فرسنگ ها دور می کند.

گفتنی است که کشتن این نوع افراد، ضمن اینکه جرم سنگینی می باشد، چهره اخلاقی مسلمانان و وجهه اجتماعی شان را در نزد غیر مسلمانیان مخدوش می گرداند و راه تبلیغ و توسعه اسلام را مسدود می کند. اینجاست که تعرض به این گونه افراد، چه به شکل قتل یا گروگان گرفتن یا اذیت و آزار رساندن به آنان، ممنوع و حرام می باشد.

البته اگر مرتکب جنایتی شوند، طبق قوانین جزایی آن کشور محاکمه شده و به کیفر خود می رسند. اما هیچ کس حق ندارد خودسرانه امنیت این افراد را در یک کشور اسلامی به خطر اندازند. ■

عده ای چنین می پندارند که کشتن غیر مسلمانی در هر حال اجر و ثواب دارد، در صورتی که این پندار کاملاً نادرست است. در حدیث بالا کلمه "معاهد" آمده است؛ معاهد به شخص غیر مسلمانی اطلاق می گردد که از بدو تولد در یک کشور اسلامی زندگی کرده و شهروند آن کشور محسوب می شود، و یا اینکه از یک کشور غیر اسلامی با ویزا (رواید) و اجازه قانونی، وارد کشوری اسلامی شده است. در هر حال گناه کشتن چنین افرادی به قدری سنگین است که انسان را از بوی بهشت نیز فرسنگ ها دور می کند.

گفتنی است که کشتن این نوع افراد، ضمن اینکه جرم سنگینی می باشد، چهره اخلاقی مسلمانان و وجهه اجتماعی شان را در نزد غیر مسلمانیان مخدوش می گرداند و راه تبلیغ و توسعه اسلام را مسدود می کند. اینجاست که تعرض به این گونه افراد، چه به شکل قتل یا گروگان گرفتن یا اذیت و آزار رساندن به آنان، ممنوع و حرام می باشد.

البته اگر مرتکب جنایتی شوند، طبق قوانین جزایی آن کشور محاکمه شده و به کیفر خود می رسند. اما هیچ کس حق ندارد خودسرانه امنیت این افراد را در یک کشور اسلامی به خطر اندازند. ■

عده ای چنین می پندارند که کشتن غیر مسلمانی در هر حال اجر و ثواب دارد، در صورتی که این پندار کاملاً نادرست است. در حدیث بالا کلمه "معاهد" آمده است؛ معاهد به شخص غیر مسلمانی اطلاق می گردد که از بدو تولد در یک کشور اسلامی زندگی کرده و شهروند آن کشور محسوب می شود، و یا اینکه از یک کشور غیر اسلامی با ویزا (رواید) و اجازه قانونی، وارد کشوری اسلامی شده است. در هر حال گناه کشتن چنین افرادی به قدری سنگین است که انسان را از بوی بهشت نیز فرسنگ ها دور می کند.

پی نوشتها:

۱. صحیح بخاری، حدیث شماره ۴۲۲۹.
۲. همان، حدیث شماره ۲۷۶۶.
۳. همان، حدیث شماره ۶۸۶۶.
۴. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری: ۲۳۳/۱۲.
۵. سنن ابن ماجه، حدیث شماره ۲۶۱۹.
۶. همان، حدیث شماره ۳۹۲۲.
۷. السنن الکبری للبیهقی: ۲۲/۸.
۸. سنن ابن ماجه، حدیث شماره ۲۶۲۰.
۹. سنن ابی داود، حدیث شماره ۴۲۷۰.
۱۰. المعجم الأوسط للطبرانی: ۱۲۱/۵؛ سنن ترمذی، حدیث شماره ۳۰۲۹.
۱۱. سنن نسایی، حدیث شماره ۴۰۰۲.
۱۲. صحیح ابن حبان، حدیث شماره ۶۱۵۶.
۱۳. سنن ابی داود، حدیث شماره ۴۲۷۰.
۱۴. سهارنپوری، خلیل احمد، بذل المجهود: ۱۷۸/۱۷.
۱۵. صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۱۶۶.